

#### سرقت مسلحانه از طلافروشی در جغتای

ایرنا|فرمانده انتظامی جغتای از سرقت مسلحانه یک و نیم کیلوگرم طلا از یک طلافروشی در این شهرستان خبر داد. به گفته سرهنگ علی مرادی علی آباد، ساعت ۱۳ و ۱۵ دقیقه بعد از ظهر دیروز ۲سارق موتورسوار که لباس مشکی به تن کرده و صورت خود را پوشانده بودند به یکی از طلافروشی های شهر مراجعه کرده و درگیری با صاحب طلافروشی، با تهدید سلاح حدود یک کیلو ۵۰۰ گرم طلا را ربودند. این مقام انتظامی ادامه داد: عاملان سرقت با موتورسیکلت از صحنه گریختند. در این باره پرونده ای تشکیل شده و با توجه به سرخ های به دست آمده در صحنه سرقت، دستور ویژه ای برای پیگیری سریع پرونده و دستگیری سارقان صادر شده است. مرادی خاطرنشان کرد: کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات علمی خود را آغاز کرده اند و از شهروندان نیز انتظار می رود هرگونه اطلاعاتی را در این باره به فوریت های پلیسی ۱۱۰ اعلام کنند.

#### کشف ۲۴۰قبضه اسلحه از قاچاقچیان

تسnim|فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی از کشف ۲۴۰ قبضه اسلحه از اعضای یک باند قاچاق سلاح خبر داد. به گفته سردار احمدعلی گودرزی، مرزبانان هنگ مرزی ارومیه با اشراف و تسلط اطلاعاتی و استفاده از تجهیزات الکترونیکی و اپتیکی، موفق شدند با اقدام به موقع و دقیق از ورود محموله سلاح های غیرمجاز به داخل کشور جلوگیری کنند. این مسئول مرزبانی کشور ادامه داد: مرزبانان در این منطقه تعداد ۲۴۰ قبضه سلاح قاچاق شامل ۱۷۵ قبضه اسلحه شکاری، ۶۵ قبضه کلت کمری به همراه ۶ جعبه تجهیزات جانبی سلاح را کشف کردند. سلاح های مکشوفه پس از تشکیل پرونده قضائی برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع ذی صلاح شدند.

#### داستان جتایی

#### یک مشت اتفاق درهم برهم (قسمت اول)

این داستان ماجرای دو تاملعناد چلفروزی عقل دست و پا چلفتی است که به هر چیزی سر را هشان بودند زدند. ماجرای آن ها با صدای قدقد مرغ شروع می شود و با این جمله پا یان می گیرد «شپیش! شکلات زدیم».

قدقد مرغ زیر کاپشن کهنه افشین داشت بالا می گرفت. هوا گرگ و میش بود و کوچه ها کم کم تاریک می شد. دو ساعت پیش دوتایی داشتند از بی چیزی تلف می شدند که مرغ ها را دیدند. سه تا بودند. یک گل باقالی. یک حنایی و یک مرغ لنگ دراز دلیاق سیاه که نفهمیدند خروس لاری است یا مرغ مریض استخوانی. مرغ گل باقالی هپلی و تنبل بود ولی آن دوتا خیلی زود فلنگ را بستند و از لای قفس باره باغچه، خودشان را تپاندند لای ساقه های زرد شده و توی خرت و پرت ها گم و گور شدند. حالا هم توی کوچه های این محله غریبه صدای مرغ بالا گرفته بود و ممکن بود گیر بیفتند. جمال گفت، بپتر صدا شو... آه، افشین یکهو ایستاده بود. گفت، هوی شمعون... این تخم کرده، جمال نگاه کرد که چطور یک زرده و سفیده مثل مخاط بینی از زیر کش کاپشن، روی شلوار کثیف افشین شره کرده. گفت، اوه دادا شمون زایید که، هر دو پقی زدند زیر خنده. جمال گفت، خوشبیش ایدق فشار فشور نمی دادی که یه تخم مرغ بزیم تو رگ. افشین دست از آدش را کاسه کرد و روی ران شلوار کشید. مایع غلیظی که توی مشتش آمده بود راهورت کشید و با آستین دهانش را تمیز کرد. گفت، خلاص، جمال گفت، عیبیبیبی، افشین گفت، من گرفتمش تو باید بکشی اش، «جان تومن بلد نیستم. گوشش حروم میشه، افشین گفت یقلوی این مال دزد به خودش سرتاپا حرومه، جمال گفت، پس خودت با سنگ بزنش بمیره، رسیده بودند به کال بزرگ که این موقع سال آب بیشتری داشت و جای ول گشتن متعادل ها بود. هوا از روشنایی افتاده بود و سرمایی پوست آدم گزگز می کرد. پشت شمشاد های ٹٹک یک بطری شیشه ای پیدا کردند. افشین بطری را زرد زمین و یک تکه آن را برداشت. گفت، کار خودته، جمال گفت، جان شپیش من تابه حال مرغ نکشته ام. نمی تونم. اصلا خون می بینم دماغ می ره تو دلم. افشین گفت، چشما تو ببند و سریع انجامش بده، جمال فاصله گرفت. دور تر ایستاد. گفت، با سرنگ بهش تزریق کنیم بمیره، افشین همانجا پای شمشاد ها نشست به بود و مرغ توی دوتا دست هایش آرام گرفته بود. پره های خال خالی سر مرغ این موقع غروب کم رنگ تر دیده می شد. گفت، حالا حرومت چی شد پس؟ آن قدر با هم چک و چانه زدند که قرار شد جمال چشم هایش را ببندد و مرغ را به دیوار بکوبد تا بمیرد، چون خوردن مال دزدی حرام بود و حالا دیگر فرقی نداشت چطور آن زبان بسته را بکشند. جمال مرغ را از پا هایش آویزان کرده بود. حدود پنج متر از دیوار ز پرتی فاصله داشت. چشم هایش را بست. دور خیز کرد و تا سمت دیوار دوید، همانجا لنگش به چیزی گرفت و طوری زمین خورد که چندتا از پره های مرغ به هوارفت. افشین با آن هیکل گنده ایستاده بود و فقط دید که مرغ گرد الی خال خالی با سرعت از آن ها دور می شود، آن قدر دوید که نا پدید شد. گفت، خاک توسرت یقلوی که شکلات زدی به شامون.

یک ساعت بعد توی خیابان تاریک داشتند یک مزد اوانت دو کابین را می پاییدند. جمال گفت، هی می رن میان. یه مرگی شون هست، افشین گفت، تا خانه پیاده شد برو تو کارش، هنوز جمله اش را تمام نکرده بود که زن چادر را روی سرش درست کرد و از ماشین پیاده شد. هر دو خونسرد به سمت ماشین رفتند. چراغ های جلو هنوز روشن بود و دوتا قیف نور روی آسفالت پهن کرده بود. جمال هیکل تر که ای اش را پشت فرمان نشاند و ماشین را ه افتاد. توی آینه نه کسی دنیا لشان کرده و نه بویی از کارشان برد. خیلی سریع توی یک مسیر پهن خلوت را ندند. افشین داشت تند تند دل و روده داشهورد را بیرون می ریخت. یکهو از خوشحالی بلند داد زد. جمال پای لاغرش را کوبید روی ترمز و دید که یک دسته پول توی دست های افشین است. بعد یکهو صورت هایشان ماسید. چون ماشین توی آن تاریکی در پهنه انتهای شهر ایستاده بود و صدای گریه یک بچه داشت از صندلی عقب می آمد.

ادامه دارد...



محمد جواد ابوعطا  
m.abouata@shahraranews.ir

گمان می رود که محموله های سفید بدتر کیشیان را از استان های دیگر و از مبدأ کشورهای همسایه به مشهد می رسانده اند. آن ها شگرد مرموزانه ای را برای گرفتار نشدن پیش گرفته بودند و اگر می خواستند معادل یکصد میلیون تومان مواد دست مشتری شان بدهند، چه آن را با اسکناس های ریز و درشت و فقط به صورت نقدی می گرفتند. در واقع آن ها با این شگرد قصد داشتند که خود را از چشم قانون مخفی کنند، غافل از اینکه مأموران مبارزه با مواد مخدر خراسان رضوی، همچون باز شکاری با چشمانی باز از یک ماه گذشته تمام تحرکات این باند عمده فروشی مواد مخدر را در مشهد زیر نظر گرفته و مترصد رسیدن بهترین زمان برای ورود به عملیات بودند. عملیاتی که چند روز پیش در یکی از مناطق مشهد هنگام معامله ۸۰ میلیون تومانی آغاز شد و ۳ متهم این پرونده به همراه کیسه زباله ای پر از اسکناس و مقادیر زیادی ماده مخدر شیشه دستگیر شدند.

دیروز پلیس مبارزه با مواد مخدر خراسان رضوی، نمایشگاهی از کشفیات ویژه این پلیس درباره انهدام باند مسلحانه توزیع عمده مواد مخدر صنعتی در مشهد برگزار کرد. نمایشگاهی که حاصل تلاش شبانه روزی یک ماه گذشته افسران این پلیس تخصصی بود و منجر به دستگیری ۳ متهم، ۲ اسلحه جنگی، ۱۱۰ کیلوگرم ماده مخدر شیشه، ۴۰ کیلوگرم محلول شیشه و توقیف ۲ خودرو

فرمانده انتظامی خراسان رضوی جزئیات انهدام یک باند عمده فروشی مواد افیونی را تشریح کرد

# محکوم به حبس ابد، سر کرده باند مسلحانه بود



عکس: محسن بنفشه/اخبار

● قوچان و کاشمر نیز بوده اند.

● متهم به اعدامی که دوباره مواد فروش شد با دستگیری متهمان و بررسی سوابق آن ها مشخص شد که آپاچی سوار زندانی بند باز زندان مشهد است که چندی پیش از سوی اداره اطلاعات دستگیر شده و پس از محاکمه به اعدام محکوم شده است. امدار ادا مهیا یک درجه تخفیف این متهم به حبس ابد محکوم شده است.

● همکاری هوشمندانه پلیس و مردم

فرمانده انتظامی خراسان رضوی در حاشیه این نمایشگاه در جمع خبرنگاران با تقدیر از عملکرد شهروندان در همراهی پلیس و عملکرد جسورانه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان پیرو این پرونده بیان کرد: مأموران اقدامات اطلاعاتی گسترده ای را از مدت ها قبل برای شناسایی و انهدام این باند خطرناک مسلحانه آغاز کرده بودند که این تلاش ها به نتیجه رسید

و متهمان دستگیر شدند.

سردار کاظم تقوی ادامه داد: این پرونده دارای طرافت های ویژه ای بود و از آنجا که متهمان مسلح بودند محل اختفای آن ها یکی از محله های پرتردد مشهد بود. احتمال درگیری و خسارت های بعدی آن متصور بود اما تیم رسیدگی کننده به پرونده با هوشیاری و سرعت عمل ویژه قبل از اینکه متهمان بتوانند دست به سلاح ببرند این پرونده را جمع کردند.

#### مرگ ۹ آتش نشان در پی ریزش غار

**برزیل-**  پایگاه خبری پلیس/ برائتر ریزش غاری که ۲۸ آتش نشان غیر نظامی در برزیل در آن مشغول آموزش بودند. ۱۰ نفر زیر آوار گرفتار شدند. در این حادثه که در شهر آلتینوپلیس در ایالت سائوپائولورخ داد ۹ نفر از افراد گرفتار جان خود را از دست دادند. ریزش غار زمانی رخ داد که ۲۸ آتش نشان غیر نظامی برای گذراندن شب برای اهداف آموزش شی در غار بودند و باران شدیدی در منطقه باریده بود.

#### مه غلیظ و بوی نامطبوع در مسکو

**روسیه-**  صداوسیما/ توده ای از مه بسیار غلیظ که دید افقی را به کمتر از ۱۰ متر کاهش داده بود. بامداد دیروز آسمان شهر مسکو را فرا گرفت. آنچه شهروندان را نگران کرده، بوی نامطبوعی است که هر زمان با هوای مه آلود در شهر پیچیده است. این بوی نامطبوع شباهتی با بوی دود و سوختگی ندارد و شهروندان روسی احتمال می دهند حاصل فعل و انفعالات شیمیایی باشد. اما کارشناسان هواشناسی وقوع این پدیده را طبیعی و بوی نامطبوع را به دلیل غلظت بیش از حد مه می دانند.

#### ریزش مرگ بار برج مسکونی در نیجریه

**نیجریه-**  ایسنا/ رئیس خدمات اورژانس شهر لاگوس نیجریه، پایتخت اقتصادی این کشور اعلام کرد که در پی ریزش ساختمان یک برج مسکونی در حال ساخت در این شهر، (تالخله تنظیم خبر) ۹ نفر جان خود را از دست دادند، گفته می شود ۱۰۰ نفر پس از ریزش این ساختمان مسکونی لوکس و مرتفع مفقود شده و کارگران ساختمانی زیر آوار این ساختمان محبوس شده اند. احتمال افزایش شمار کشته شدگان به دلیل دشواری در عملیات امداد و نجات وجود دارد. این ساختمان بیش از ۲۰ طبقه داشته است.



# ۷۵۵ مرگ بیشتر در ۱۸۶ روز دیگر

بررسی حوادث رانندگی در نیمه اول امسال بیانگر افزایش شمار جان باختگان است



تصادفات در نیمه اول امسال، ۶۰ هزار و ۹۴۶ نفر مرد

و یک هزار و ۶۹۸ نفر زن بوده اند. همچنین در این مدت استان های فارس با ۶۸۷، تهران با ۵۸۲ و خراسان رضوی با ۵۷۶ فوتی بیشترین و استان های ایلام با ۶۹، قم با ۱۱۸ و کهگیلویه و بویر احمد با ۱۱۹ جان باخته کمترین آمار قربانیان

گروه حوادث اتلخی مرگ عزیزی که به جان

فردی بنشیند، او دیگر آدم سابق نمی شود. اما آندوه این وداع ناپهنگام زمانی تلخ تر می شود که عزیزی مقابل چشمان افراد پرپر شود که نمونه آن را می توان در تصادفات رانندگی دید. ماجرای که براساس آمار اعلامی در نیمه اول امسال ۷۵۵ بار بیشتر تکرار شد و به عبارتی جان باختگان حوادث امسال به نسبت آمار سال گذشته بیشتر شده است.

براساس این آمار که سازمان پزشکی قانونی کشور منتشر کرده است، در نیمه نخست امسال، ۸۰ هزار و ۶۴۴ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند که این رقم در سال گذشته ۷ هزار و ۸۸۹ نفر بوده است و ۹۰۶ درصد بیشتر شده است.

● مردها بیشتر می میرند

به عبارت دیگر می توان گفت که به طور میانگین روزانه ۴۶۵ نفر در حوادث رانندگی رخ داده در کشور جان خود را از دست داده اند. براساس آمار از کل تلفات



#### عکس خبری

#### خاکستر نشینی در جزیره خاکستری

ابوعطا|بی گمان همسایگی با یک کوه آتش فشانی، گذشته از دیدن زیبایی های آن می تواند مخاطراتی هم داشته باشد. زیرا ممکن است شب و نیمه شبی ناگهان از خواب چندین ساله برخیزد و میل به فوران کند. اینجاست که دیگر این همسایه سرفراز آرام، با خشونتی افسار گسیخته آنچه در دل دارد به بیرون می فرستد و زندگی برای اطرافیان را سخت می کند. ماجرای که در روزهای گذشته جزیره لاپالمای اسپانیا را غرق در خاکستر کرد و اهالی آن خاکستر نشین شدند. میزان این خاکسترها در حدی بود که رفت و آمد در این مناطق را با مشکل روبه رو کرد و خسارت های زیادی به جا گذاشت. مشرق عکس هایی از این جزیره خاکستری را منتشر کرده است.

